

یک‌شنبه ۱۷ اسفند ۱۳۹۹ • ۲۳ رجب ۱۴۴۲ • ۷ مارس ۲۰۲۱

اخبار

عباس جهانگیریان مطرح کرد

بچه‌ها از زندگی رونالدو می‌دانند ولی از بزرگان‌مان نه



عباس جهانگیریان، نویسنده ادبیات کودک و نوجوان درخصوص جایگاه آیین‌ها وسنت‌های ایرانی در ادبیات کودک و نوجوان در سال‌های اخیر اظهار کرد: آیین‌ها به تنهایی دستمایه نوشتن نیستند؛ مثلا یک نویسنده می‌تواند خاطره‌ای از نوروز یا شب یلدای خود را بنویسد ولی آیین‌ها بیشتر می‌توانند بستر یا لوکیشن داستان باشند و داستان می‌تواند از این آیین‌ها و مناسبت‌ها استفاده کند. برای مثال فردوسی داستان را در بستر آیین روایت می‌کند.

او سپس با ذکر مثالی از یکی از داستان‌های خود گفت: من در داستان «نار سالگشته» به این‌که عده‌ای اعتقاد داشتند اگر اتار به سال جدید و عید برسد، هر کس حتی یک دانه از آن اتار بخورد، عقب‌رو او را در آن سال نیش نمی‌زند پرداخته‌ام. در شهرهای حاشیه کویر مثل قم و کاشان که عقب‌ر زیاد است، ترس از عقب‌ همیشه برای خانواده‌ها معضل بوده است. در داستان به این پرداخته‌ام که کسی که دعا را به این اتار می‌خواند نباید گناهکار باشد، این قدری استعاره دارد از این‌که ما همه گناه‌کاریم، مگر استثنایی وجود داشته باشد، در ادامه داستان هم بازی‌هایی با رنگ اتار کرده‌ام. بنابراین می‌توانم بگویم که من از باور استفاده کرده‌ام، اما این باور بالقوه دستمایه داستانی ندارد، مگر نویسنده از آن استفاده کند.

جهانگیریان همچنین به داستان «هامون و دریا»ی خود اشاره و بیان کرد: مثلا می‌گویند کسی که عاشق‌تر باشد، بیشتر از بقیه مایه می‌گذارد، من این را در این داستان نشان داده‌ام؛ هفت نوجوان عاشق یک دختر به نام «دریا» هستند، این‌ها باید به پیشنهاد حکیم ده از برک‌های ای ماهی بیابوند تا دریا بخورد و بنواند بر بیماری‌اش غلبه کند. این هفت نفر راه می‌افتند اما یکی یکی از چیزی می‌ترسند و برمی‌گردند ولی آن یکی که عاشق‌تر است، از مرگ نمی‌ترسد و می‌رود و دریا را نجات می‌دهد. این‌ها به‌پهره‌هایی بوده که من از این مثل‌ها یا متل‌ها یا آیین‌ها بردهام اما مستقیما سراغ موضوعی نرفته‌ام. البته ما در ادبیات‌مان ادبیات نوروز و ادبیات یلدا هم داریم اما اگر آن‌ها را هم بخوانیم، می‌بینیم که باز هم از آیین‌ها استفاده مکانی یا زمانی شده است.

این نویسنده افزود: نویسنده باید از آداب و رسوم در شخصیت‌پردازی، انتخاب مکان و زمان و هر آن‌چه می‌تواند چاشنی، بستر و بخشی از مترای یک داستان باشد، استفاده کند.

عباس جهانگیریان همچنین درخصوص ضرورت حضور آیین‌های ملی در ادبیات کودک و نوجوان با اظهار نگرانی برای از بین رفتن هویت ایرانی بیان کرد: این روزها بچه‌ها تمام بازیکنان تیم چلسی یا دیگر تیم‌های معروف اروپایی را می‌شناسند ولی اگر آن‌ها در مورد عطار بپرسید چیزی نمی‌دانند، ممکن است نام مولانا، سعدی و فردوسی را شنیده باشند اما چیزی از آن‌ها نمی‌دانند ولی اطلاعات زندگی خصوصی رونالدو را هم می‌دانند. چه چیز باعث این شده است؟ من فکر نمی‌کنم که این مسئله اتفاقی باشد.

او ادامه داد: وقتی شبکه‌های تلویزیونی تا نیمه‌های شب مسابقات دسته چمدنی لیگ‌های فوتبال اروپا را پخش می‌کنند اما بزرگ‌ترین رویدادهای هنری و فرهنگی این مملکت را حد یک زیرنویس بازتاب نمی‌دهند، این نشان می‌دهد که عده‌ای به این‌که فرهنگ ایرانی رواج پیدا کند، علاقه‌مند نیستند. علاقه به ایران و هویت و فرهنگ ایرانی دغدغه خیلی از مدیران فرهنگی ما نیست؛ با این حال نویسنده مگر چقدر می‌تواند با کتاب‌هایش تاثیر بگذارد؟

جهانگیریان با بیان این‌که بچه‌ها دارند ایران، طبیعت و میراث فرهنگی آن را فراموش می‌کنند، گفت: در نام‌گذاری خیابان‌ها از ۱۰۰ نامی که بر آن‌ها می‌گذارند، چند نام به حفظ هویت فرهنگی و ایرانی‌مان کمک می‌کند؛ به نظرم حفظ هویت ایرانی، آیین‌ها و فرهنگ نیازمند اراده ملی است. هیچ دلیلی ندارد که یک دغه نام «تالار رودکی» را عوض کنند و نام رودکی را از آن بردارند؛ مگر رودکی چاقوکش، کافر یا عرق‌خوار بوده؟ چند سال پیش نستعلی با کانون نویسندگان تاجیکستان داشتیم، من به رئیس این کانون گفتم که مشغول نوشتن زندگی‌رودی‌های هستم؛ او گفت «مگر شما رودکی را دوست دارید؟» گفتم رودکی بنیان‌گذار شعر فارسی است مگر می‌شود او را دوست نداشته باشیم؟! او گفت «شما اگر رودکی را دوست داشتید، اسم او را از سردر تالار برنی‌داشتید.» او همچنین به تغییر نام «سینما حافظ» در اصفهان اشاره و اظهار کرد: وقتی این اسامی یکی یکی از پیشانی خیابان‌ها و میدان‌ها در سرتاسر ایران حذف می‌شود، این هویت ما را از بین می‌برد.

عباس جهانگیریان در پایان گفت: اخیرا داستانی نوشته‌ام که سعی کردم در آن از تمام آیین ترک‌ها در آذربایجان استفاده کنم، اما مگر به عنوان یک نویسنده چقدر می‌توانم در حفظ آیین‌های ملی سهم داشته باشم؟

به گزارش فارس، کتاب «سلول‌های بهاری» خاطرات تولید و توسعه سلول‌های بنیادی به روایت حسین بهاروند، دانشمند برجسته و پدر دانش سلول‌های بنیادی کشور است که به تازگی توسط انتشارات «راه یار» منتشر شده است. حسین بهاروند، استاد ممتاز و مؤسس پژوهشکده زیست‌شناسی و فناوری سلول‌های بنیادی پژوهشگاه رویان در سال ۱۳۷۴ به پژوهش در سلول‌های بنیادی رویانی انسانی در ایران سلول‌های بنیادی برای اولین بار گذشت. در سال ۱۳۸۷ نیز به همراه همکارانش موفق به تولید سلول‌های بنیادی پرتوان القائی انسانی شد. این فعالیت‌ها او و همکارانش را قادر ساخت تا شاخه‌های مختلف پزشکی بازساختی را در ایران پایه‌گذاری کنند.

او تاکنون بیش از ۳۰ جایزه ملی و بین‌المللی از جمله جایزه رازی، خوارزمی، آیسکو، آکادمی علوم جهان (TWAS)، یونسکو و جایزه مصطفی (نشان عالی علم و فناوری جهان اسلام) دریافت کرده است. با بهنام باقری محقق و نویسنده کتاب «سلول‌های بهاری» گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

❖ اول این گفت‌وگو، کمی درباره قصه نگارش کتاب «سلول‌های بهاری» توضیح دهید.
زمانی که می‌خواستیم این کارها را شروع کنیم، هیچ کتاب و تحقیقی در عرصه تاریخ شفاهی پیشرفت‌های علمی کشور و عنوان خاصی به این نام نداشتیم و جرقه این کار، زمانی در ذهن ما زده شد که مقام معظم رهبری در سال ۹۳ در بازدید از گروه صنعتی مینا از پیشرفت‌های علمی کشور بسیار خوشحال شدند. همان‌جا به ذهن ما رسید که در زمینه تاریخ شفاهی پیشرفت و خاطرات آن کار کنیم. اما آن زمان مسائلی پیش آمد که شروع کار را به تأخیر انداخت. از سال ۹۶ طور جدی و همراه با آقای محمدمهدی همتی، مسئول موسسه خاکریز اندیشه و ایمان، کار را شروع کردیم و به دو پروژه زندگینامه شهید کاظمی آشتیانی، مؤسس پژوهشگاه رویان و دکتر حسین بهاروند درباره پیشرفت در دانش سلول‌های بنیادی رسیدیم.

❖ پس به نوعی می‌توان گفت سخنان رهبر انقلاب، انگیزه اصلی شما برای روایت پیشرفت‌های کشور بود.

بله، آن موقع در چند سخنرانی متوالی از ایشان شنیده بودم که خیلی درباره سلول‌های بنیادی صحبت می‌کردند. در مواردی هم درباره انکار برخی دانشمندان داخلی نسبت به این پیشرفت‌ها می‌گفتند که مثلا عده‌ای از دانشمندان نامه داده‌اند که دستیابی به سلول‌های بنیادی، وارداتی است و اصلا امکان ندارد در داخل تولید شده باشد. سعی می‌کردند این دستاوردها را انکار کنند. این موضوع از همان زمان در ذهن من بود و فکر می‌کردم که چرا عده‌ای به راحتی پیشرفت‌های علمی را انکار می‌کنند و کاری هم در این باره نمی‌شود. کتاب «سلول‌های بهاری» درباره پیشرفت ما در مسأله سلول‌های بنیادی است. این علم جزو چند علم برتر دنیا و دانشی زیربنایی برای پزشکی است و نام کشور ما هم به عنوان دهمین کشور دنیا در دستیابی به این علم ثبت شده است. البته در کتاب «سلول‌های بهاری» علاوه بر

ماجرای تولید و توسعه سلول‌های بنیادی در ایران، زندگینامه دکتر بهاروند را هم می‌خوانیم. ابتدا می‌خواستیم فقط تاریخ شفاهی پیشرفت در سلول‌های بنیادی را بیان کنیم؛ یعنی اینکه چه

رئیس جمهور این کتاب را بخواند



شد وارد مقوله سلول‌های بنیادی شدیم و چگونه به این دانش دست یافتیم، اما کمی که با آقای دکتر بهاروند مصاحبه کردم، احساس کردم مباحث، خیلی علمی و خشک است و مخاطب، تمایلی به خواندن آن نخواهد داشت. از طرفی هم خاطرات او خیلی جذاب بود.به ذهنم رسید که خاطرات آقای دکتر را در کنار خاطرات دستیابی به سلول‌های بنیادی و اتفاقات علمی بیابوریم که مقداری آن حالت علمی را تعدیل کند و با استفاده از شکل داستانی، لطافت متن را بیشتر کنیم و از شکل یک متن علمی خشک دربیایند تا مخاطب هم از آن استقبال کند.

هدف اصلی ما، بیان پیشرفت‌ها بود اما با همراهی دکتر بهاروند سعی کردیم مباحث علمی را ساده‌سازی کنیم و با زبانی بگوییم که برای

مخاطب هم قابل فهم باشد و این را نکته مثبت و سازنده کتاب می‌بینم که هم کتابی علمی است و هم خیلی ساده شده؛ به طوری که اگر دانش‌آموز دبیرستانی یا خانم خانه‌دار که سواد دانشگاهی ندارد آن را بخواند، می‌فهمد سلول‌های بنیادی چیست و چه کاربردهایی دارد. قسمت زیادی از این مسأله، مرهون بیان زیبا، نوع روایت و تمثیلات خود اوست که مباحث علمی را خیلی ساده و روان بیان کرده‌اند.

❖ معمولا دانشمندان و محققان علمی، دوست دارند بیشتر وقتشان را در آزمایشگاه و صرف کارهای علمی کنند. اینکه توانستید دکتر بهاروند را برای روایت زندگی خودشان و پیشرفت کشور در سلول‌های بنیادی پای کار بیاورید، اتفاق خوبی است که می‌تواند در بقیه بخش‌های علمی و برای دیگر دانشمندان هم تکرار شود.

بزرگ شده و رشد کرده اما به غرب و شرق جهان و کشورهای پیشرفته در عرصه علمی سفر کرده است. خرداد سال ۹۶ که برای شروع پروژه تاریخ شفاهی سلول‌های بنیادی به پژوهشگاه رویان رفتم، آقای توسلیان، روابط عمومی پژوهشگاه، همان ابتدا که عنوان سلول‌های بنیادی را دیدند، گفتند باید با آقای دکتر بهاروند که مسئول دانشکده سلول‌های بنیادی پژوهشگاه رویان است، صحبت کنید که آن موقع، استرالیا بودند.

اواخر آذر ماه، وقتی برای جلسه اول مصاحبه پیش دکتر بهاروند رفتم، کار را خیلی جدی نگرفتند. بعدها هم می‌گفتند فکر می‌کردم یکی دو جلسه حرف می‌زنیم و کار تمام می‌شود. چون وقت نداشتند و قضیه را هم جدی نگرفته بودند، تمایلی به ادامه صحبت و سؤالات من نداشتند و فقط می‌خواستند صحبت‌ها سریع به پایان برسد. آقای

می‌خواستم کتاب به ۲۲ بهمن که چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب بود، برسد. واقعا به این پروژه ایمان داشتم و می‌دانستم که ارزش این را دارد که برای چهل سالگی انقلاب از آن رونمایی کنیم. فضل اول و دوم کتاب را که مربوط به خاطرات کودکی آقای بهاروند و دستیابی به دانش سلول‌های بنیادی بود، برای دکتر فرستادم. می‌خواستم فصل به فصل، کتاب را بخوانند و کار سریع‌تر پیش برود.

متن آماده شده را برای دکتر که آن موقع، آلمان بودند، ایمیل کردم. چند روز بعد با من تماس گرفتند و با خوشحالی گفتند که اینجا در غربت، دلم خیلی گرفته بود. متن شما را که خواندم حالم خوب شد. اینجا شروع اعتماد دکتر بهاروند به من بود و تا آن موقع، اعتمادی به بنده به عنوان محقق نداشتند.

به همین شکل، فصل‌های بعدی را هم برای آقای دکتر فرستادم، اما ایشان وقت نداشتند بخوانند و به این ترتیب به جای بهمن سال ۹۷، کتاب برای بهمن ۹۹ به کتابفروشی‌ها رسید.

❖ به نظر خودتان چه کسانی حتما باید کتاب «سلول‌های بهاری» را بخوانند؟

به نظر من اولین کسانی که باید این کتاب را بخوانند، مسئولان هستند؛ از رئیس جمهور تا مدیران میانی باید این کتاب را بخوانند تا بدانند در جمهوری اسلامی کسانی هستند که توانسته‌اند با تلاش در حوزه علمی خود، کشور را به قله‌های علمی برسانند. دکتر بهاروند می‌گفتند وقتی ما به دانش سلول‌های بنیادی دست پیدا کردیم، کشور هشتم دنیا در این زمینه بودیم. یک سال طول کشید مقاله آن را بنویسم و به مجلات بین‌المللی بدهم تا به صورت رسمی در دنیا اعلام شود که کشور ایران هم به این دانش رسیده است و در این یک سال، دو کشور دیگر هم اضافه شدند و ما کشور دهم دنیا در این زمینه شدیم. یعنی یک جوان حدودا ۴۰ ساله توانست کشور ما را در یک زمینه علمی به جایگاه دهم دنیا برساند.

مسئولان باید این کتاب‌ها را بخوانند تا بدانند چنین افراد نخبه‌ای در ایران داریم و نباید نگاه ما به بیرون کشور باشد. همچنین دانشجویان و دانش‌آموزان دبیرستانی که به دنبال الگوی ایرانی و مسلمان‌ت هستند، می‌توانند با مطالعه این کتاب با زندگی و مشکلات و مسائل و تلخی و شیرینی‌های زندگی این الگوی بومی آشنا شوند و ببینند که هر کس به نحوی مشکلات و چالش‌هایی در زندگی‌اش دارد اما با وجود این مشکلات، می‌توان کشور را در زمینه علمی ارتقا داد و این خیلی مهم است.

حسن ختام صحبت‌هایم را سخنی از مقام معظم رهبری درباره دکتر بهاروند قرار می‌دهم که در کتاب نیامده است. آقای دکتر می‌گفتند در جلسه‌ای که در حضور مقام معظم رهبری بودیم، بحث پیشرفت علمی و جایگاه علمی کشور در دنیا پیش آمد. ایشان مرا نشان دادند و گفتند: این جوان توانست نام ایران را در دنیا مطرح کند.

کتاب «سلول‌های بهاری» که تحقیق و نگارش آن برعهده بهنام باقری بوده، در ۴۰۸ صفحه، شمارگان ۱۵۰۰ نسخه و قیمت ۵۰ هزار تومان توسط انتشارات «راه یار» منتشر شده است و علاقه‌مندان برای تهیه آن، علاوه بر کتابفروشی‌ها، می‌توانند از طریق صفحات مجازی ناشر @raheypub و سایت vaketab.ir نسبت به سفارش کتاب اقدام کنند. همچنین در صورت نیاز می‌توانند با شماره ۰۲۱۴۷۲۹۵۴۵۴ می‌توانند با شماره تماس بگیرند.

مر حوم مهدی بصیر و تلاش بسیاری برای گسترش راهپیمایی اربعین



۱۱. دل خرابی را نمی‌شکست. کسی را از زرده نمی‌کرد. آزارش به کسی نمی‌رسید. رضایت خدا را می‌خواست و انگاری خدا هم خیلی حواسش به این بنده پاک و خمتگزارش بود. دوستان و همراهانش می‌گفتند خیلی چیزها بود که از خدا خواسته بود که محقق شده بود، آن هم به صورت خیلی جالبی. شاید به خاطر پدر شهیدش، شاید به خاطر اینکه درخواستی را رد نمی‌کرد با... یا خواسته‌های او نیز به اجابت می‌رسید. شاید پذیرش و باورپذیری این نکته سخت باشد ولی بارها اتفاق افتاده بود و دوستان و همراهان متوجه عنایت خاص خدا به او بودند.

۱۲. حضور و فعالیتش در یک مسجد خاصی محدود نبود و به همه مساجد شهر سر می‌زد و با مسجدی‌های همه شهر مرتبط بود. به هر کاری که ربط به شهید و شهادت و شهدا و انقلاب داشت اعتقاد داشت و پای ثابت یادواره‌های شهدا و اردوهای راهیان نور بود، چه به صورت جمعیتی و چه خانوادگی و چه گروهی. هم راهیان نور جنوب و هم راهیان نور غرب.

۱۳. جزو نخستین افراد و گروه‌های منطقه بود که در پیاده روی اربعین حضور یافت و تلاش بسیاری هم برای گسترده شدن حضور مردم منطقه در این راهپیمایی عظیم جهانی و به تعبیری دقیق «بزرگترین کارخانه انسان سازی این دوره» داشت و امیدوار بود که هر سال، افراد بیشتری در این برنامه خاص عبادی و سلوکی شرکت کنند. البته غالبا هم از مسیرهای معمولی نمی‌رود و با دوستانی در شوش و خوزستان که غالبا از آشنایان و هم رزمان پدر شهیدش بودند می‌رفت و با این دوستان عرب و فارس، و عراق می‌شدند و سفرشان هم مدت مدیدی طول می‌کشید و اینگونه نبود که ضربتی برود و بیاید. دوست داشت بیشتر و طولانی‌تر در این مراسم باشد و از این رایحه ای که بوی انتظار و ظهور و آماده سازی شیعیان و مؤمنان دارد، بیشتر استشمام کند. عاقبت هم در این مسیر، در آذر ۱۳۹۴، در شهر کوبت عراق به لقای الهی رسید. خدایش بپارمزد و با سیال‌شده‌ها (ع) و اصحاب باوقایش محسور گرداند.

۱۴. آقامهدی بصیر پدر و دل‌های زیادی را آتش زد و مردم قدرشناس استان و فریدونکنار، چنان از او تجلیل کردند که گویی پیکر یک سردار بزرگ شهیدی را بدرقه کردند. مراسم تشییع جنازه ایشان دست کمی از مراسم تشییع شهدای بزرگ نبود و فریدونکنار چنین تشریح جنازه‌ای کمتر به خود دیده بود. آقامهدی عاشق شهدا و در مرام و مسلک شهدا و در راه شهدا و در راه زیارت اربعین‌شدها (ع) بود و در این راه به وصال الهی رسید و اینگونه مهاجرالی الله بود.

اخبار

آی‌فیلم به «تالسا» سر می‌زند

آی‌فیلم این بار در برنامه «سینمای کوتاه» فیلم کوتاه «تالسا» را همراه با گپ‌وگفت حسام فروتن با کارگردان جوان آن، پرویز شجاعی، بخش می‌کند.

به‌گزارش امتیاز: «تالسا» به‌کارگردانی و نویسندگی پرویز شجاعی و به‌تهیه‌کنندگی سجاد قافله‌باشی، در سال ۱۳۹۶ ساخته شده و توانسته با شرکت در جشنواره‌های بین‌المللی جوایز بسیاری را از آن خود کند.«تالسا» اولین تجربه کارگردانی پرویز شجاعی است که به‌مدت ۷ دقیقه، با رویکرد فراملی، به فضای آمریکای ۱۹۲۱ پرداخته و آن واقعه را از دریچه‌ای دیگر به تصویر کشیده است. تالسا شهری است در ایالت اوکلاهامای آمریکا که در سال ۱۹۲۱ شاهد کشتار بی رحمانه و بی سابقه سیاه پوستان شد، حادثه‌ای که ۳۰۰ سیاه پوست بی‌گناه کشته و سوزانده شدند و در ادامه آن جنایت قریب به ۱۲۵۶ خانه به دست نژادپرستان آمریکایی ویران شد. امیر صالحی، کتابون معنوی، امیر حسین نقدی، محمد حسین مختاری، سید بهادر شریفی، سید پرویز شجاعی و حسین دادرالحکمه از کشور غنا بازیگران این فیلم کوتاه هستند. «سینمای کوتاه» به‌همت واحد تولید و هنری شبکه آی‌فیلم و با تهیه‌کنندگی علی‌اکبر صدیقی، تولید شده و هر یکشنبه ساعت ۲۳:۳۰ روی آنتن می‌رود. بازپخش آن را می‌توانید دوشنبه‌ها ساعت ۰۷:۳۰ و ۱۹:۳۰ تماشا کنید.

پرداخت برنامه «ایران» به فروز کوه و تالش دوشاب گیری در پرس تی وی

برنامه «ایران» شبکه پرس تی وی به معرفی جاذبه های شهرستان فیروزکوه و مراسم دوشاب گیری در تالش می پردازد.

به‌گزارش امتیاز: برنامه این هفته «ایران» به کارگردانی مریم دهقان پور به معرفی فیروزکوه استان تهران به عنوان زیستگاه مهم حیات وحش و جاذبه های گردشگری و تاریخی فراوان این شهرستان و همچنین مراسم دوشاب گیری در منطقه تالش استان گیلان اختصاص دارد. در بخش اول این برنامه، علی رشید به معرفی شهرستان فیروزکوه که به خاطر موقعیت آب و هوای خاصش همواره مورد توجه اقوام بوده است، می پردازد. در بخش دوم نیز قرار است مراسم دوشاب گیری در شهرستان طالش که یکی از سنت های قدیمی استان گیلان به شمار می رود نمایش داده شود.برنامه «ایران» یکشنبه ۱۷ اسفند، ساعت ۲۱ به وقت تهران از شبکه پرس تی وی پخش می شود. تکرار این برنامه نیز دوشنبه ساعت ۱۲:۰۰، سه شنبه ساعت ۰۷:۰۰، چهارشنبه ساعت ۰۲:۰۰، پنج شنبه ساعت ۰۸:۰۰ و ۱۶:۰۰ و جمعه ساعت ۰۰:۰۰ روی آنتن می‌رود.

«راهنمای هنری ایران» به سراغ موسیقی رفته است؛

آهنگسازان بین‌المللی در پرس تی‌وی
برنامه «راهنمای هنری ایران»(Iran Guide) شبکه پرس تی وی در گفت و گو با آهنگسازان ایرانی، نگاهی دارد به شاخه های مختلف موسیقی و حضور هنرمندان ایرانی این عرصه در صحنه های جهانی.

به‌گزارش امتیاز: برنامه «راهنمای هنری ایران» به تهیه‌کنندگی ضحی شهرپاری و اجرای گلنار فنودی که هر هفته روی آنتن شبکه پرس تی‌وی می‌رود، این هفته قرار است با علی بلیغی نوازنده و آهنگساز ایرانی که در موسیقی مدرن تبحر دارد و در عرصه های بین‌المللی شرکت داشته، گفت و گو کند. این برنامه همچنین با مهدی جلالی نوازنده، آهنگساز و رهبر ارکستر که در حوزه موسیقی سنتی، کلاسیک و مدرن فعالیت می‌کند و ساخت ۷۰ اثر برای آهنگسازان ایران و جهان را در کارنامه هنری خود دارد، گپ و گفتی خواهد داشت.«برنامه راهنمای هنری ایران» شنبه ساعت ۲۱:۰۰ به وقت تهران به مدت ۲۵ دقیقه از شبکه پرس تی وی پخش می‌شود و تکرار این برنامه یکشنبه ساعت ۱۶:۰۰ و ۲۳:۰۰، دوشنبه ساعت ۷:۰۰ و ۲۰:۰۰ و سه شنبه ساعت ۰۸:۰۰ خواهد بود.

«سینمای ایران» هیسپان تی‌وی روی «خط ویژه»

برنامه «سینمای ایران» شبکه هیسپان تی‌وی در این قسمت، به نمایش و بررسی فیلم «خط ویژه» به کارگردانی و نویسندگی مصطفی کیایی می‌پردازد و با منصور لشکری قوچانی تهیه‌کننده این فیلم گفت‌وگو می‌کند.
به‌گزارش امتیاز: برنامه «سینمای ایران» که هر هفته با انتخاب و نمایش یک فیلم ایرانی برای مخاطبان اسپانیایی زبان، به بررسی و تحلیل آثار مصطفی کیایی را به مخاطبان اسپانیایی زبان علاقه‌مند به کسب اطلاعات درباره سینمای ایران معرفی می‌کند. در «سینمای ایران» ابتدا بخش های کوتاهی از فیلم «خط ویژه» پخش می‌شود تا مخاطبان با تم کلی فیلم آشنا شوند و در ادامه به مرور کارنامه هنری مصطفی کیایی پرداخته می‌شود. بعد از آشنایی مخاطبان با این فیلم ایرانی، اسوالدو کائازز، مجری برنامه با منصور لشکری قوچانی تهیه‌کننده «خط ویژه» به گفت‌وگو می‌پردازد.در انتهای این برنامه، مخاطبان به تماشای این فیلم ایرانی می‌نشینند.فیلم سینمایی «خط ویژه» محصول سال ۱۳۹۱ است و مصطفی کیایی کارگردانی آن بر عهده داشته است. بازیگرانی چون هومن سیدی، مصطفی زمانی، هانیه توسلی، پریانز ایژدیار، میلاد کی‌مرام، محسن کیایی، اسماعیل پوروزا، میترا حجار و سام قربیان در آن به نقش‌آفرینی کردند. «خط ویژه» در سی و دومین جشنواره فیلم فجر موفق به دریافت سیمرغ بلورین فیلم برگزیده تماشاگران و دیپلم افتخار نقش درام مگر برای امیر میلاد کی‌مرام شد.سینمای ایران (Cine Irani) به تهیه‌کنندگی فمیمه اسماعیل پور روز یکشنبه برای اسپانیایی زبان های سراسر جهان قابل مشاهده خواهد بود.